

A Comparative Study of the Birth Ceremony of the Sun in Iran and Bolivia

Mahdi Honarjoo¹

PhD student in Islamic History, Culture and Civilization, University of Islamic Sciences

Received: 2024/03/04 | Accepted: 2024/03/12

Abstract

Studying the important features of various religions around the world in a completely scientific and objective manner, free from any prejudice, will undoubtedly bring beautiful results. Curiosity about the beliefs, customs and traditions of various cultures and civilizations in the world has always existed for centuries, and every day that passes in the life of historical research, it produces amazing and surprising results. Two cultural regions may be different and contradictory in terms of geography, history and other characteristics and be far apart, but in a specific case they are in harmony with each other. The birth of the sun is one of those customs and traditions that can connect two cultures and civilizations and bring the cultural relations of the two countries closer. The birth of the sun ceremony is held in the Latin American region and in the country of Bolivia by the Imres, and the Cheleh or birth of the sun ceremony is also performed in Iran and is performed according to the Mehr worship and Mithraism rituals. Now, in the present article, a comparative study is conducted between the Sun's Birthday ceremonies in Iran and Bolivia in order to find out the cultural commonalities of these two ceremonies. According to library studies, it is found that the importance of agriculture in the cultural background of both regions and the existence of the cold season and the reduction in the use of sunlight have caused them to have a period of time to celebrate and appreciate the sun, which is reflected in the structure of the Sun's Birthday.

Keywords: Birth of the Sun, Iran, Bolivia, Gate of the Sun, Night of Chele, Inca.



مطالعه تطبیقی مراسم تولد خورشید در ایران و بولیوی

مهدی هنرجو^۱

دانشجوی دکترا تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

چکیده

مطالعه ویژگی های مهم ادیان گوناگون در سراسر جهان به شیوه کاملاً علمی و عینی جدای هیچ پیش داوری، بدون شک نتیجه های زیبایی به همراه خواهد داشت. کنجکاوی درباره عقاید و آداب و رسوم فرهنگی و تمدنی گوناگون در جهان، طی قرون متمادی، همواره وجود داشته و هر روز که از عمر تاریخ پژوهی می گذرد، نتایج شگرف و شگفتی را ایجاد می کند. ممکن است دو منطقه فرهنگی از لحاظ جغرافیا و تاریخ و دیگر شاخصه ها با هم مغایر و متفاوت باشند و فاصله زیادی از هم داشته باشند، ولی در یک مورد خاص مطابق با هم باشند. تولد خورشید از جمله آن آداب و رسومی است که می تواند دو فرهنگ و تمدن را به هم پیوند دهد و موجب نزدیک شدن روابط فرهنگی دو کشور شود. مراسم تولد خورشید در منطقه آمریکای لاتین و در کشور بولیوی و توسط ایمره ها برگزار می شود و همچنین مراسم چله یا تولد خورشید در ایران و بر طبق آیین مهرپرستی و میتراایسم انجام می شود. حال در مقاله حاضر، مطالعه ای به روش تطبیقی و مقایسه ای بین مراسم تولد خورشید در ایران و بولیوی صورت می گیرد تا بتوان از آن مشترکات فرهنگی

این دو مراسم را بدست آورد. با توجه به مطالعات کتابخانه ای بدست می آید که اهمیت کشاورزی در پیشینه فرهنگی هر دو منطقه و وجود فصل سرما و کاهش بهره مند شدن از نور خورشید، موجب شده تا مدت زمانی را برای تجلیل و تقدیر از خورشید داشته باشند که در ساختار تولد خورشید بروز کرده است.

واژگان کلیدی

تولد خورشید، ایران، بولیوی، دروازه خورشید، شب چله، اینکا.

مقدمه

همسان سازی ها میان فرهنگ و اقوام و ملیت های مختلف می توان به صورت ها و شیوه های متنوعی صورت پذیرد. این همسان سازی ها حد و مرز و یکسانی محدوده جغرافیایی را لازم ندارد، بلکه ممکن است به دلیل یک گزاره ای خاص، وجود مشترک و اختلاف میان دو فرهنگ ایجاد شود. مطالعه ویژگی های مهم ادیان گوناگون در سراسر جهان به شیوه کاملاً علمی و عینی و جدای هیچ پیش داوری، بدون شک نتیجه های زیبایی به همراه خواهد داشت. کنجکاوی درباره عقاید و آداب و رسوم فرهنگی و تمدنی گوناگون در جهان، طی قرون متمادی، همواره وجود داشته و هر روز که از عمر تاریخ پژوهی می گذرد، نتایج شگرف و شگفتی را ایجاد می کند. ممکن است دو منطقه فرهنگی از لحاظ جغرافیا و تاریخ و دیگر شاخصه ها با هم مغایر و متفاوت باشند و فاصله زیادی از هم داشته باشند، ولی در یک مورد خاص مطابق با هم باشند. تولد خورشید از جمله آن آداب و رسومی است که می تواند دو فرهنگ و تمدن را به هم پیوند دهد و موجب نزدیک شدن روابط فرهنگی دو کشور شود. مراسم تولد خورشید در منطقه آمریکای لاتین و در کشور بولیوی و توسط ایمره ها برگزار می شود و همچنین مراسم چله یا تولد خورشید در ایران و بر طبق آیین مهرپرستی و میترائیسم انجام می شود. لذا بررسی

فرهنگ اعتدال زمستانی میان این دو فرهنگ می‌تواند داده‌های مناسبی را از جهت شباهت و تفاوت به دست آورد.

ضرورت ایجاد این مقاله را می‌توان در ایجاد علقه میان دو فرهنگی دانست که کیلومترها با هم فاصله دارند ولی در یک جنبه با هم سنخیت دارند و بررسی جنبه‌های مختلف فرهنگی آنها می‌تواند موجب نزدیک شدن این دو کشور شود. در عنوان حاضر پیشینه خاص وجود ندارد و تا جایی که بررسی صورت گرفت، مقاله‌ای در این زمینه ایجاد نشده، هرچند به صورت جداگانه، هم تولد خورشید و شب چله در ایران و همچنین تولد خورشید و دروازه خورشید در منطقه اینکا کارهایی ایجاد شده است.

اهمیت کشاورزی در دوران باستان

نیاز انسان از آغاز تا کنون عامل مهمی در پیشرفت و ایجاد تمدن بشری بوده است. گرچه کشف آتش پدیده شگرف در پیشرفت بشر بوده است ولی بنیاد مدنیت را باید از زمان یک جانشینی و پرداختن به کشاورزی دانست، روزگاری که در کوچ نشینی و شکار به یک جانشینی و تشکیل اجتماعات کوچک کشاورزی روی آورد، پله‌های ترقی را پیمود.

رالف لیتون در کتاب سیر تمدن در این باره می‌گوید: «پیدایش روش بار آوردن آذوقه دومین عصر بزرگ بشری را آغاز کرد و موجب آن شد که «انسان متفکر، از حالت یکی از کم نفوس‌ترین انواع پستانداران روی زمین درآید. همچنین اختراع کشاورزی زمینه را برای ترقیات پرشتاب و شگفت‌انگیز تمدن آماده ساخت و این بی‌شک نتایج مهمی به بار آورد که عبارتند از: فزونی منابع اقتصادی، حاصل شدن فرصت بیشتر برای تفکر و چاره‌اندیشی و خلاصه، ازدیاد نفوس.

همه چیز حاکی از آن است که پیشرفت و توسعه تمدن قبل از هر چیز وابسته به مغزهای بزرگ و بالاتر از سطح متوسط است و چنین مغزهایی نیز نسبت به عده افراد جامعه کم است و جز معدودی از آن برخوردار نیستند. نخستین محققان و متجسسان



تاریخ تمدن بشر تصور کردند که اهلی ساختن جانوران پیش از پیدایش کشاورزی معمول بوده است و چنین گفته اند پس از آن که مرد کارش شکار حیوانات بوده توانست طعمه را اسیر دام خود سازد، زن که خانه داری و گرد آوردن گیاهان را به عهده داشت به تدریج به ملایمت و آرامی به شیوه های دلپسند مرد را از این سو و آن سو رفتن برای پیدا کردن شکار منصرف ساخت و او را به استقرار در یک مکان و شخم زدن و کشت کار راضی کرد.^۱

البته فلات ایران بسیار حاصلخیز تر و برای کشاورزی بسیار مساعدتر از امروز بوده و پوشش گیاهی متنوعی داشته است. گرچه مردم این سرزمین در بیشتر نقاط با کمبود آب روبرو بوده اند اما همین کمبود موجب گردید تا آنان موفق به ایجاد قنات گردند. به هر حال فلات ایران آن قدر جذابیت داشته که کوچ نشین های آریایی پس از ترک سرزمین اولیه خود به داخل نجد ایران کوچ کنند. در این زمینه بهرام فره وشی در ایرانویج می گوید: میتوان تصور کرد ناحیه ای که جیحون آن را آبیاری می کرده است و بسیار آبادان و حاصلخیز بوده است جایگاه اولیه ایرانیان خاستگاه آن هاست. در اثر سرد شدن ناگهانی هوا و یا به خاطر اقوام زرد پوستی که از سوی شمال به ایرانی ها فشار می آوردند اینان جایگاه اصلی خود را ترک میکنند و یا به مهاجرت می پردازند و به سوی فلات ایران می آیند و این مهاجرت چندین بار و به صورت چندین موج صورت می گیرد.^۲

و همچنین در جای دیگر درباره موقعیت ایران می گوید: «آب و هوای فلات ایران در دوران های پیشین به کلی با امروز فرق داشته است و با بررسی متون تاریخی می توان پنداشت که در دوران هخامنشیان وضع از نظر آب و سرسبزی به گونه ای دیگر بوده است. بسیاری از جاهایی که امروز خشک و بیابان است، چمنزار

۱. لیلتون، والف، شهر تمدن ترجمه پرویز مرزبان، تهران، ۱۳۷۷، ص ۸۵ ص ۸۹

۲. فره وشی، بهرام، ایرانویج، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۸

و چنگل و بیشه بوده است و جنگلهای انبوه که بقایای آن هنوز دیده میشود و سیاحان و در سفر نامه های خود از آن یاد کرده اند، نواحی اطراف کویر را فرا گرفته بوده است، وجود این جنگل ها که بیشتر به دست ذغالگران نابود شدند، آب و هوای مناطق کویری را ملایم تر و مرطوب تر کرده است و در اطراف کویر آن جا که امروز هیچ روستا و آبادانی نیست، روزگار گذشته روستاهای سر سبز بوده است و مردمان بسیار در آنها زندگی می کرده اند که نمونه هایی از آن ها توسط باستان شناسان در شهداد در حاشیه کویر یافت شده است.^۱

اما این سرسبزی و حاصل خیزی که عنوان شد متعلق به قسمتی از ایران می باشد قسمتهای از ایران در آن زمان هنوز با کمبود آب و سبزی و خرمی مواجه بوده است و در این بخش ها مردم در واحدهای کوچک و دور از هم زندگی می کردند. در آن زمان آب به علت کمبودش برای مردم جنبه تقدس پیدا کرده بود و مردم به عبادت ایزدان آب می پرداختند و طلب آب و باران میکردند زیرا بیشتر مردم ایران کشاورز و دامدار بودند و آب برای آنان جنبه حیاتی داشت بهرام فره وشی در این باره می گوید: کسی که در دشتهای خشک و پهناور ایران سفر کرده است تقدس درخت و آب و گیاه را به خوبی می تواند احساس کنند. پس از فرسنگها راهپیمایی از فراز پشته ای و گردنه ای محیط کوچک سبزی پدیدار می شود که هم چون نگین بر پهنه دشت های خشک و سوخته نشسته است. این احساس از دیر باز در میان مردم ایران وجود دارد و در آن حالتی تقدس آمیز نسبت به گیاه و سبزه و درخت پدید آورده است.

قوم روستایی گله پرور ایرانی از هنگامی که پای بر این سرزمین گذاشت و جا به جا در این دشت گسترده در کنار واحدهای کوچک و بزرگ به زندگی پرداخت، به آب و درخت ارجی گران نهاد، زیرا آب و درخت در این سرزمین به آسانی و



فراوانی به دست نمی آید و درختی که شاخی بر می آورد و سایه ای می افکند گاه حاصل دسترنج چندین نسل گذشته است که فرسنگ ها در دل زمین قنات ایجاد کرده اند پیدا است که محصول چنین رنجی تقدس آمیز است. و در نتیجه اهمیت کشاورزی و تقدس آب و گیاه که در ایران وجود داشت، دهقانان هم از مقام شامخی برخوردار بودند. ذبیح الله صفا در کتاب حماسه سرایی در ایران این مسئله را چنین مطرح می کند: «دهقانان یکی از طبقات قدیم نجبای ایران بوده اند، چنان که از بعضی اشارات کتب اسلامی بر می آید این طبقه صاحب ضیاع و مکت و دارای نوعی از اشرافیت اراضی بوده‌اند و ظاهراً در ایام پیش از اسلام از طبقات ممتاز ایران شمرده شده اند این پادشاهان بدست اینان بوده از مطالعه در احوال این گروه چنین بر می آید که روایات و یادگارهای تاریخی ایران را با دقت و مراقبت فراوان حفظ می کرده اند و به همین مناسبت در مقدمه شاهنامه ابو منصور چینی می خوانیم که این نامه را هر چه گزارش کنیم از گفتار دهقانان یاد آورد که این پادشاهی به دست ایشان بود و از کار و رفتار و از نیک و بدو از کم و بیش ایشان دانند پس ما را به گفتار ایشان باید پذیرفت. وجود دهقانان ایرانی نژاد و اصیل با ویژگیهای نژادی خویش موجب شد که ایرانیان پیش از مغول به جای ایرانی واقعی گاه کلمه دهقان را به کار برند.^۱ البته این دهقانان که در این جا عنوان شده مالکان اصلی زمین بوده اند و کشاورزان که بر روی زمین کار می کرده اند در اصل زیر دستان اینان بودند اما چون کشاورزی شغلی مقدس بود، در نتیجه این کشاورزان هم مورد احترام بوده اند دهقانان مالک، چون اصیل و نژاد بوده اند و با اقوام دیگر ترکیب نشده اند به عنوان ایرانیان اصلی ملقب شده اند و لغت دهقان با ایرانی نژاد هم معنی شده است. ذبیح الله صفا در این باره می گوید:

۱. صفا ذبیح الله، حماسه سرایی در ایران، تهران ۱۳۵۳، ص ۹۴

یکی پهلوان بود دهقان نژاد دلیر و بزرگ و خردمند و راد

دهقان به معنی طبقه دهقان تصور نمی شود، بلکه باید لاشک آن را «ایرانی» دانست و در این صورت معنی «دهقان نژاد، ایرانی نژاد است. دهقانان مردمی صاحب مکت و توانگر بودند. در تاریخ بخارا چند بار نام آنان آورده می شود که در هر جا با صفاتی که مبین همین معانی است ذکر شده و حتی دهقانان و ملک زادگان با هم آمده‌اند.^۱»

در خاتمه اضافه می نماید که یکی از دشواریهای این سرزمین همواره کمبود آب بوده است، چنانکه داریوش کبیر در کتیبه بیستون از اهور مزدا دو درخواست مهم طلب کرده است یکی کشور ایران را از خشکسالی نگه دارد و همچنین مردمان این کشور را از دروغ گفتن دور کند.^۲

بحث کشاورزی در بین قوم اینکا نیز دارای اهمیت زیادی است. کشاورزی نقش تعیین کننده و مهمی را در اقتصاد و جامعه امپراتوری اینکاها دارا بود. اینکاها در محیط های مختلف محصولات مختلفی مانند ذرت، سیب زمینی، کدو، گوجه فرنگی، بادام زمینی، کوکا، کاساوا و پنبه کشت می کردند.^۳ آنها همچنین حیواناتی مانند خوکچه هندی، اردک، لاما، آلیپاکا و سگ را پرورش دادند.^۴ کشاورزی مورد تغذیه جمعیت زیادی است، همچنین در تأمین ارتش و حمایت از مراسم مذهبی در امپراتوری اینکاها نقش دارد.^۵

اینکاها کشاورزان جاه طلبی بودند و برای به حداکثر رساندن تولید کشاورزی، چشم انداز را با تراس ها، کانال ها و شبکه های آبیاری تغییر دادند، در حالی که

۱. همان، ص ۹۷

۲. متن کامل کتیبه بیستون، خبرگزاری میراث فرهنگی، ۲۷ آوریل ۲۰۱۱، بازبینی شده در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۴

۳. https://en.wikipedia.org/wiki/Inca_Empire

۴. <https://www.worldhistory.org/article/792/inca-food--agriculture/>

۵. همان



تالاب‌ها اغلب تخلیه می‌شدند تا برای کشاورزی مناسب شوند.^۱ اینکاها دستگاه کشاورزی عظیمی را ایجاد کردند که در آن محصولات و گله‌ها از مردمان تسخیر شده فرمان می‌گرفتند و خود مردم به طور دوره‌ای ملزم به کار در مزارع دولتی بودند. یک مزیت مثبت تر برای مردم محلی حکومت اینکاها، شبکه وسیعی از تأسیسات ذخیره سازی بود که آنها برای بیمه کردن در برابر زمان خشکسالی و بلایا ایجاد کردند. علاوه بر این، مواد غذایی اغلب توسط مقامات اینکا به عنوان هدایایی توزیع می‌شد که حاکمان امیدوار بودند محبوبیت آنها را افزایش دهد.^۲

اینکاها دانش و احترام زیادی نسبت به محیط خود داشتند و ارتباطات معنوی عمیقی با پاچاماما (زمین مادر) ایجاد کردند.^۳ اقتصاد اینکاها عمدتاً کشاورزی بود. این منجر به توسعه فناوری‌ها و روش‌های کشاورزی شد که به آن‌ها اجازه داد تا با ناملایمات آب و هوا و زمین آند سازگار شوند.^۴

پس چنین بدست آمد که هم در دوران باستان در ایران و بولیوی بحث کشاورزی و بدست آوردن غذا از زمین مورد اهمیت بوده و حتی در دعای پادشاه ایران باستان نیز اشاره به دور کردن خشکسالی شده است. در بولیوی و سرزمین اینکا نیز مراسمات عبادی نیز وابسته به محصولات کشاورزی و زمین بوده است.

تاریخچه و نحوه برگزاری مراسم چله - یلدا

در خلال دوره تحول و ترقی اجتماعی انسان در مراحل مختلف زندگی، از دوره شکار به زندگی چوپانی و از دوره چوپانی به دوره کشاورزی و از آن به دوره صنعتی شاهد تحولات افکار و عقاید و رسوم جوامع انسانی هستیم؛ مانند فصول و مواقع کاشت و برداشت محصول که مورد علاقه کشاورزان بوده به همین سبب اعیاد

1. Inca Food & Agriculture - World History Encyclopedia

2. <https://academic.oup.com/edited-volume/34666/chapter/295365681>

3. <https://andeanlodges.com/en/the-importance-of-nature-and-agriculture-in-the-inca-civilization/>

4. <https://andeanlodges.com/en/the-importance-of-nature-and-agriculture-in-the-inca-civilization>



و جشن های کشاورزان با این واقعه ها مرتبط بوده است. آنها در طول سالیان با فصول و تضادهای طبیعی خو می گرفتند و فعالیتشان را براساس تغییر فصل، بلندی و کوتاهی روز و شب، جهت حرکت ستارگان، ماه و خورشید تنظیم می کردند. در نظرشان روشنی روزه تابش خورشید و اعتدال هوا مظاهر نیک او موافق ایزدی و تاریکی شب و سرما از اعمال اهریمنی بود که این تفکر ذهنی در سراسر جهان اساساً یکسان است. ت. همچون مصریان که به خدای آفتاب اهمیت می دادند و چنین می پند پنداشتند که خدای آفتاب یا روشنایی همواره با خدای تاریکی در پیکار است و پیدایش شب و روز نتیجه این نبرد دائمی است و عقیده داشتند که خورشید پدر روشنایی و نور بوده و همسر خود را که الهه زمین است با اشعه نافذ و گرم خود باردار نموده.^۱ و ایرانیان نیز خورشید را مظهر نور و مهر میدانستند همان گونه که در ضرب المثلشان نیز بیان می کنند: «پایان شب سیه سپید است بنابراین میتوان گفت از گذشته های دور تا به حال نبرد بین نور و تاریکی در تفکر آدمی اثری مستقیم داشته است. کنه طبق نظریه اشتروس می توان گفت: «انسانها نیاز دارند نظمی بر جهان تحمیل کنند. تصوراتی که در پشت چنین نظمی نهفته است، از نسلی به نسل دیگر فرد به ارث میرسد. فرد به عنوان اعضای وابسته به یک فرهنگ قواعدی را در مورد آنچه که عموماً پذیرفتنی یا ناپذیرفتنی است فرا می گیرد. در این روش، طبقه بندی پدیده های جهان پیرامون از بعد اخلاقی برخوردار است.»^۲

ایرانیان شب چله را به ایزد مهر «میترا» پیوند زدند. در تحولات تاریخی و آیینی گاه مهر با خورشید مشابه و یکسان تلقی شده و گاه سیما و هیبت انسان گونه پیدا کرده است. همان گونه که در طاق بستان نزدیک به کرمانشاه در طرف چپ اردشیر دوم ساسانی ایستاده و دستاری بر سر بسته و بر گرد چهره او هاله ای از نور به چشم



۱. بازارگاد، تاریخ و فلسفه مذاهب جهان، ص ۴۲

۲. کولمن، واتسون، درآمدی به انسان شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۱۳۳

می خورد. برای ملتی که از آغاز تاریخ علاقه مند به نور و از تاریکی متنفر بودند، مشاهده کردن این که هر روز از روز قبل اندکی کوتاه تر شده و در عوض بر طول شب افزوده می شود، در ذهن آنها ترس و دلهره ای به وجود آورد. این کوتاه شدن تدریجی روزها و طولانی شدن شبها به پنهان شدن یا نابودی مظهر روشنایی و تسلط شب به عنوان مظهر تاریکی و اهریمن مبدل نشود^۱ از این رو بود که این شب را به برگزاری مراسم و آدابی پرداختند.

نامگذاری شب چله

یلدا کلمه ای است سریانی به معنای میلاد ابوریحان آن را شب زادن ترجمه کرده است. چنانکه میدانیم یلدا با تونل اروپایی که در بیست و پنجم دسامبر برگزار می شود نزدیک است. بنابراین نوئل (moel) اروپایی همان شب یلدا یا شب چله ایرانی است. جشن تولد و تعمید مسیح روز ششم ژانویه برگزار میشود البته در برخی از فرقه های یلدا شب آغاز انقلاب شنوی که فردایش آفتاب از برج قوس به برج جدی ن گردد، نزد ایرانیان نحس بود، زیرا علاوه بر سرمای سخت زمستانی، در این اهریمن تاریکی ادامه می یافت و برای رفع نحوست آن، ایرانیان تا برآمدن خورشید به دور آتش شادی می کردند^۲ در فرهنگ مردم یلدا با نام های گوناگونی آمده است از جمله که در کاشمر اول دیماه را شوچله (SVCih) بزرگ میگویند.^۳

در خراسان نام شب چله به «چله زری معروف است زیرا در این شب بین اهالی مرسوم است که از بین دختران باکره ده یکی را انتخاب کرده و اسم او را چله زری می گذارند و در بالای بام منزل تختی گذاشته و فرشی روی آن پهن کرده تن دختر لباس عروس می پوشانند و اهالی دور او حلقه زده و اشعاری را می خوانند:

۱. رضی، جشن های آتش، مهرگان، ص ۷

۲. پناهی سمنانی، ترانه و ترانه سرایی در ایران سیری در ترانه های ملی ایران، ص ۲۴۷

۳. دیدگاه کریمی فروتنه، فرهنگیار

چله زری چله زری امسال و سال دیگری عروسی کیه، عروسی کیه چله زری می باشد

سپس اهالی هر خانه ای یک شمع روشن را آورده و دور چله زری می چرخاند و تمام زن و مردهای آبادی دستشان را روی شمع ها می گیرند و بعد به صورتشان می مالند و می گویند: چله زری زردی ما از تو سرخی تو از ما، اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از سوختن شمع ها نقل را روی چله زری می ریزند و تا پاسی از شب به رقص و شادی می گذرانند.^۱

در نهاوند به چله بزرگ امل Amel، به چله کوچک محل Mamel، به مادرشان Da می گویند و به هفته آخر چله بزرگ اهنم و به هفته اول چله کوچک بهمن با چارچار گویند که بر طبق این نامگذاری بیشتر افسانه هایشان نیز بر همین نام است.^۲

می توان بیان کرد که یکی از دلایل روشن کردن آتش آن است که آتش در بین زرتشتیان مورد ستایش بوده است طبعاً جشنهای آتش نیز در ایران با شکوه برگزار می شده است. ژرفای این شکوه و بزرگداشت آن تا به حدی بوده که تا زمان حال هم، حتی در میان مسلمانان بقایای آثار آن را مشاهده میکنیم چنانکه دود کردن اسپند و بخورات در ایام متبرکه و یاد کردن نام خدا و درود فرستادن به پیغامبر در هنگام افروختن چراغ از مظاهر تقدس و حرمت دادن به آتش است که در ذهن بشر تداوم یافته است.^۳

ارتباط شب چله به بحث کشاورزی و تولد خورشید

زمانی که نیروهای اهریمنی در راس نیرو ظاهر شدند... زمانی که روز طولانی تر می شود و شب کوتاهتر نشانه پیروزی خورشید بر تاریکی بود... در تمام طول شب

۱. دیدگاه فروغ الزمان ضرغامی، فرهنگیار

۲. انجوی شیرازی، جشن ها و آداب و معتقدات زمستان، ج ۲، ص ۲۱۲

۳. پناهی سمنانی، ترانه و ترانه سرایی در ایران سیری در ترانه های ملی ایران، ص ۲۳۹



آتش در حال سوختن بود برای اطمینان از شکست نیروهای طبیعت.... برای پیروزی مطلق خورشید که برای حمایت گیاهان زمستانی بسیار ضروری بود نماز به جای می‌آوردند.^۱

اولین روز دی آغاز طولانی شدن روز و کوتاه شدن شب است. در اسطوره‌های ایرانی، این روز، روز پیروزی نیروهای ایزدی بر نیروهای اهریمنی بود. «روز روشن که هنگام کشت و کار و تفریح بوده آفریده مزدا به شمار می‌رفت و شب پر اسرار و مرموز و ساکت که در پناه آن کشتارها و دزدیها و شبی خونها انجام می‌شود آفریده اهریمن بود.^۲

این شب را همچنین شب تولد میترا (مهر) میدانستند که حمایت کننده ی کشاورزان بوده و در این روز کشاورزان به نیایش میترا می‌پردازند. این جشن جزء معدود جشنهایی است که تاکنون بر جای مانده است. انگیزه پایدار ماندن این جشن را میتوان چنین گفت: «۱ زایش خورشید (مهر) است از باورهای کهن ۲ برداشت محصول صیفی و آغاز فصل استراحت در جامعه کشاورزی است. همه قشرها و گروه‌هایی که از فرآوردههای کشاورزی و تلاش کشاورزان بهره‌مندند، در جشن نخستین روز دی ماه برداشت محصول در شکوه شادی کشاورزان شرکت می‌کنند.»^۳

«به این اعتبار میتوان جشن شب یلدا را جشنی دهقانی نامید که با ریشه‌های همیشگی و کهنسال خود میتواند تاریخی هزاران ساله داشته باشد و شاید تاریخی قدیمی تر از میترا و مهرپرستی در حقیقت جشن شب یلدا جشن خانوادگی بهره برداری از برو بار کشتان های خانوادگی و کشتان های اربابی است.»^۴

1. price, festival of yalda.HTM,2001.

۲. فره‌وشی جهان، فروری، ص ۱۱۴.

۳. رضی، پژوهشی در گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، ص ۵۵۳

۴. روح‌الامینی، آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز. ص ۹۲

در نتیجه چون شب چله یا یلدا مربوط به کشاورزی است و خورشید و حضور آن به عنوان عنصر هستی بخش بخصوص برای کشاورزان است، لذا کوتاه شدن روزها و غروب کردن زود خورشید و عدم استقرار دائمی آن در طی روز، چنین گمانی را ایجاد می کرد که اهریمن و تاریخی به دنبال از بین بردن خورشید است و لذا در ایام طولانی شدن شب، کشاورزان برنامه ای را برای مبارزه با تاریکی انجام می دادند و زمانی که در ابتدای صبح خورشید طلوع می کرد، زایش و میلاد خورشید در نظر گرفته می شد.

تاریخچه و نحوه برگزاری مراسم جشن خورشید - ایتنی رایمی

جشن خورشید و تولدی که برای خورشید در منطقه قوم اینکا که به صورت خاص بولیوی است، انجام می شود، دارای ویژگی ها و خصوصیات است که می سزد مطالبی در این موارد بیان شود.

محل برگزاری مراسم_ تیاخواناکو

تیاخواناکو یک مکان باستان شناسی است که در آن می توانید باقیمانده های یک شهر باستانی را مشاهده کنید. این مکان در ارتفاعات بولیوی و در نزدیکی دریاچه معروف تیتیکاکا واقع شده است. فرض بر این است که در گذشته، این مکان باستان شناسی یک مرکز مهم برای تمدن تیاخواناکو بود؛ که به کشاورزی مشغول بودند و در بخش هایی از پرو، بولیوی، شیلی و آرژانتین کنار طبیعت زندگی می کردند. فرهنگ باستانی تیاخواناکو به خاطر معماری پیشرفته و پایدارش شناخته می شود و چنین تصور می شود که این معماری بر اقوام بومی بعدی تأثیرگذار بوده است. در این زمان، ابهام دوران ایجاد و تأسیس این فرهنگ باستانی مشخص شد. عده از محققان چنین باور دارند که این فرهنگ در سال ۱۰۰۰ یا ۱۵۰۰ قبل از میلاد شکل گرفت و تمدن های بومی بعدی مانند مایا از اینها پدیدار شد. در حالی که عده ای دیگر مدعی هستند تمدن این منطقه در سال های ۸۰۰ یا ۱۰۰۰ قبل از میلاد شکل گرفته و آن را به یک امپراتوری بزرگ در منطقه تبدیل می کند، که نمی توان آن را



به عنوان مادر سایر تمدن‌های آمریکایی در نظر گرفت. بدون در نظر گرفتن منشأ یا رونق تمدن، ثابت شده است که این مکان باستانی پایتخت یک امپراتوری مهم بود؛ که توانست بخش قابل توجهی از آمریکای جنوبی را تحت حاکمیت خود در آورد. فرض می‌شود که این تمدن حدود ۲۵۰ سال ادامه داشته است و در دوران حکومت خود، کشف و روش ساخت ابزار و تولید اشیاء بوسیله آن ابزار را آغاز کردند؛ و این کشفیات نقش زیادی در توسعه فناوری نظامی برای آنها داشت. خاک سفال و تولید خشت یک ابزار جذاب برای فرهنگ آنها بود که برای ساخت ظروف و اجسام خانگی از آن استفاده کردند.^۱

تنها چیزی که از تمدن باستانی باقی مانده است، درب مشهور دروازه خورشید از تیاخواناکو است که به عنوان یک آثار ویران شده شناخته می‌شود و نشان دهنده درجه بالای دانشی است که از فرهنگ‌های آمریکایی باستان در زمینه معماری باقی مانده است. یکی از ویژگی‌های برجسته و بارز این بنا، یک تکه بودن سنگ تشکیل این بناست. در این زمان، این درب ورودی تنها مجسمه آن محدوده است، اما بعضی از تحقیقات در گذشته نشان می‌دهد که این مجسمه، ورودی ساختمانی باستانی در گذشته بوده است. این معبد مهمی است، زیرا مصالح ساخت دروازه در دیگر بناهای باستانی بولیوی نیز استفاده شده است. با توجه به تک بودن این سازه، محققان به دنبال بدست آوردن اطلاعاتی هستند که این سازه ساختمانی را به دیگر آثار آن منطقه مربوط کنند و منشأ آنرا مشخص نمایند. قابل توجه ترین اثر، مربوط به یک مجسمه انسان نماست که نماد یک خدای باستانی است. این مجسمه نشان می‌دهد که پرتوهایی از مجسمه بیرون می‌آیند و نشاندهنده قدرت بزرگ آن است. براساس داستان‌های بومیان ایمره، اجداد آنها راز مهمی را درب خانه نگه می‌داشتند که نجات دهنده بشریت است. منشأ و کاربرد این سازه رازی است که هنوز فاش

1. <https://www.boliviandando.com/es/atracciones/sitio-arqueologico-de-tiwanaku/>

دروازه خورشید در بولیوی به دلیل نقش برجسته های زیبای خود، به عنوان بنایی فرهنگی و تقریباً کامل در تیاخواناکو در نظر گرفته می شود و همچنین گنجینه ای نمادین است که قدمت آن بیان گر سنتی در بولیوی مرتبط است.

دروازه خورشید

طبق مطالعات باستان شناسی، دروازه خورشید در بولیوی، بخشی از معبدی است که فرض می شود که جزئی از هرم یک فرهنگ آکاپانا یا هر معبد دیگری که در آن اطراف وجود داشته است. ممکن است به تمثیل معبد کالاساسایا نزدیک تر باشد. با توجه به ویژگی های آن، دروازه خورشید بولیوی بخشی از مجموعه باستان شناسی تیاواناکو محسوب می شود. این یک ساختار بسته است، یک اثر هنری با معنای باطنی و اجدادی و گذشته از یک فرهنگ که در ساخت آن به حفره ها پرداخته است. این اثر به خاطر حاشیه اش مشهور است، که در آن تصویر بسیار برجسته خدای خورشید را همراه با پرندگان مشاهده می شود. جالب است که چوب شاهی که نقش نور خورشید را با پرتوهای خورشید روی تصاویر مختلفی که از تصویر اصلی منتشر می شوند، ایفا می کند.^۱



با توجه به گفته متخصصان باستان‌شناسی، قصد این افراد چنین بود که نشان داده شود خورشید زندگی است و درخشش‌هایش انسان و جانوران را حفظ و حمایت می‌کند. در این مفهوم، می‌توان تصاویر کوچکی از پرندگان، پوما و ... را دید که انسان را با خورشید نشان می‌دهند، که نشان‌دهنده ارتباط انسان-خدا است. تقریباً ۳۲ تصویر وجود دارد که در اطراف این اثر وجود دارد و انسان-عقاب، نمایانگر آزادی است.

این یک دروازه بزرگ است که حدود ۱۰ تن وزن دارد و بخشی از یک ساختمان بزرگ است و تنها این دروازه نمایانگر یک ساختار سنگی است. همچنین، دارای سوراخ‌های بسیار محکمی است که در آن حفره‌هایی با چوب تعبیه شده و با استوانه‌هایی برای حمایت از ستون‌های سنگ آندزیت تقویت شده است. این دروازه بسیار وسیع و پهن است، ۴ متر عرض و ارتفاع آن ۳ متر است. دروازه خورشید با بررسی باستان‌شناسان نشان می‌دهد که نوعی تقویم بسیار خوب برای هدایتگری کشاورزان در زمان کاشت است. این اثر در صحنه آندس Antiplano قرار گرفته است، در پلتفرم کالاسایا که یک معبد مراسمی بسیار مهم برای مکان باستان‌شناسی تواناکو است. این ۲۰ کیلومتری جنوب غربی لاپاز در بولیوی است.^۱

مراسم تولد خورشید

فرهنگ اندین، چه در امارا و چه در کویچوا، بر احترام به چرخه‌های کشاورزی پاچا به عنوان پایه فلسفی تکیه دارد. در این دیدگاه، مختلف جشن‌ها بر اساس فصول کشاورزی وجود دارند و مهمترین آن‌ها که به عنوان سال نو اندین شناخته می‌شود، دارای نام‌های مختلفی است مانند: مارا تاقا (شکست سال)، ماچاق مارا (سال نو)، ویلکا کوتی (بازگشت خورشید) یا اینتی رایمی (جشن خورشید). هر یک از این نام‌ها معنای خاص خود را دارند، اما همگی یک معنی یکتا را بیان می‌کنند:

1. <https://estaeslahistoria.com/c-bolivia/puerta-del-sol-bolivia/>

مارا تاقا، اصطلاح ایمارا که به اسپانیایی ترجمه شده است، به معنای مارا (سال) و تاقا (شکستن) است. ترجمه حرفی زیادی در مورد سال نو نمی گوید، اما یک تفسیر معنایی می گوید که با شکستن یک چرخه، یک چرخه دیگر آغاز می شود که دقیقاً در تاریخ ۲۱ ژوئن آغاز می شود.

ویلکا کوتی، این اصطلاح ایمارا به معنای بازگشت یا بازگشت خورشید ویلکا، خورشید و کوتی، بازگشت است. درباره این نام گذاری، بین ایدئولوگ های ایمارا بسیار بحث و جدل وجود دارد، برخی ادعا می کنند که اصطلاح ویلکا به خورشید اشاره نمی کند، بلکه به یک کشیش اندین اشاره دارد. از سوی دیگر، اگرچه خورشید به طور آشکار باز می گردد، اما عبارت ویلکا کوتی ماهیت فلسفی بازگشت پاچا را نشان نمی دهد.

ماچاق مارا، این عبارت ایمارا از اسپانیایی می آید، یعنی عبارت "سال نو" به طور حرفه ای به زبان ایمارا ترجمه شده است، ماچاق به معنای جدید و مارا به معنای سال است. این منجر به تفسیر نادرست و ناقص می شود زیرا فقط یک ترجمه بسیار خاص است که به ماهیت فلسفی این جشن نمی رسد.

اینتی رایمی، عبارت کچوایی است که از Inti (خورشید) و Raymi (جشن) می آید. این جشن در گزارش های اولیه جزویت ها که به این سرزمین ها رسیدند توصیف شده است، به عنوان مثال در "کرونیکای جدید و دولت خوب" فلیپ گوامان پوما د آیالا (۱۶۱۵) آمده است: "ژوئن. کوزکی کوئیا: در این ماه، جشن معتدل اینتی رایمی را برگزار می کردند. بسیار هزینه می کردند و به خورشید قربانی می گذاشتند [گوسفندها] و قربانی به نام کاپاکوچا را دفن می کردند..."^۱

آماواتاس، دانشمندان آندو، در مراسم های آیینی می توانند به گذشته هزاران ساله بازگردند و با واکاها، مکان های مقدس، صحبت کنند، اما در عین حال می توانند به



۱. مقاله سال نو آندین، نوشته کینیول کیژا تینتایا، ۲۰۲۲، آدرس:

<https://es.scribd.com/document/360328375/58032357-ano-nuevo-aymara-pdf>

آینده مراجعه کرده و رویدادهای نزدیک آینده را ببینند. به این دلیل است که آماوتا در هماهنگی کامل با پاچا زندگی می‌کند.

در این معنا، پاچا وسیله‌ای است که می‌تواند ملموس و انتزاعی را یکپارچه کند. برای بهتر درک کردن این ادعا، به عمق مفهوم پاچا بپردازیم. از دیدگاه آندو، نمی‌توانیم از زمان بدون جدا کردن آن از فضا صحبت کنیم. داخل پاچا دو نیرو وجود دارد، به همین دلیل پاچا به معنای "دو" و "نیرو" است، یعنی دو نیرو. این دو نیرو با هم تنیده، زمان و فضا هستند. این منطق در نماد چاکانا، J'achaqhana Pusi Wara Wara، نمایان است که از دیدگاه کاتولیک به عنوان صلیب آندین تفسیر شد. در همان زمان، داخل پاچا که به عنوان زمان و فضا درک می‌شود، دو مفهوم وجود دارد که در خودشان یک فلسفه عمیقی را که زمان و فضا را یکپارچه می‌کند، حاوی می‌باشند. این مفاهیم شامل Qhepha و Nayra (در زبان آیمارا) یا Ñawpa (در زبان کچوا) هستند.

نایرا/ناوپا به گذشته اشاره می‌کند زمانی که درباره زمان صحبت می‌کنیم، با این حال، در فضای ملموس به معنای آینده است، زیرا به معنای آنچه در گذشته رخ داده و در آینده ملموس می‌شود. و قفا (آینده در زمان) که آینده‌ای است که در گذشته‌ای قبلاً تجربه کرده‌ایم، را در فضا به عقب قرار می‌دهیم.

خلاصه‌اش، زمان حاضر شامل هم گذشته و هم آینده است، بنابراین، جایی برای زمان خطی و غیرقابل برگشت غرب وجود ندارد، این حالت به واسطه پاچاکوتی به طور مداوم در زمان تجدید می‌شود.^۱

بر خلاف دیدگاه خطی و پیشرفت محور غرب نسبت به زمان، دیدگاه آندین زمان را به عنوان بازگشت چرخه‌ها و دوره‌های زمانی می‌فهمد، به این معنا،

۱. مقاله سال نو آندین، نوشته کینول کیرا تینتایا، ۲۰۲۲، آدرس:

<https://es.scribd.com/document/360328375/58032357-ano-nuevo-aymara-pdf>

پاچاکوتی به عنوان بازگشت زمان (پاچا/زمان و کوتی/بازگشت) درک می‌شود که از این اصطلاح هم در زبان کچوا و هم در زبان آیمارا استفاده می‌شود.

حالا، این چرخه‌های کیهانی، مانند سال، ماه و روزها، مقیاسی در سطح بزرگ و کوچک دارند. بزرگ به سال‌ها، دوره‌ها و دوران‌ها اشاره دارد؛ در حالی که کوچک روزها، ماه‌ها، دوران‌های کشاورزی را نمایندگی می‌شود، به عبارت دیگر، پاچاکوتی در هر لحظه حاضر است.

ترتیب پاچاکوتی‌ها بر اساس ریتم‌های طبیعت و کیهان مشخص می‌شود، به عنوان مثال:

- اورو (روز).

- پاکسی (ماه).

- مارا (سال).

- پاچا به مدت ۵۰۰ سال.

- خاچا پاچا به مدت ۱,۰۰۰ سال.

- جشن سال نو آندین - آمازونی

در گذشته، این جشن سه روز قبل از ۲۱ ژوئن آغاز می‌شد و تا سه روز بعد ادامه داشت، تاریخ دقیق توسط Amawt'as (حکمای آندو) تعیین می‌شد. گاهی اوقات جشن ممکن بود به تاخیر بیفتد یا جلوتر برود، اما هرگز بیش از سه روز و همیشه در اطراف ۲۱ ژوئن بود.^۱

در این تاریخ، در مراسم مذهبی به سوی Tata Inti (پدر خورشید)، اینکا یک لیوان چیچا را به افتخار او می‌نوشید، که بخش مهمی از فرهنگ اینکا بود.

اینکا لباس‌هایی که با طلا پوشانده شده بود را پوشیده بود، به این شکل و از طریق آن نور خورشید را نمایان می‌کرد. علاوه بر این، در امپراتوری اینکایی یک



۱. مقاله سال نو آندین، نوشته کینیول کیژا تینتایا، ۲۰۲۲، آدرس:

<https://es.scribd.com/document/360328375/58032357-ano-nuevo-aymara-pdf>

معبد مخصوص خورشید به نام Coricancha وجود داشت که دیوارهای آن با ورقه‌های طلا پوشیده بود و در وسط آن یک دیسک خورشیدی وجود داشت که به عنوان یک تقویم عمل می‌کرد.

این جشن از شب قبل از روز ۲۱ شروع می‌شد. در این موقعیت، اشیاء و لباس‌های قدیمی به آتش می‌کشیدند تا به این شکل همه چیز قدیمی همراه با سال گذشته دور شود. امروزه این مراسم به جشن سن خوان تصاحب شده است، بنابراین، این واقعه یک منطق فلسفی آندین دارد.

مراسم اینتی رایمی در امپراتوری اینکایی در دوران استعمار توسط کشیش‌ها که در حال حاضر به عنوان پاکسازان از بت‌پرستی شناخته می‌شوند، منسوخ شد و یک تاریخ جدید برای سال نو بر اساس تقویم میلادی تعیین شد که ۱ ژانویه بود و هست. با این حال، در دهه ۸۰ این جشن در Tiawanaku بازسازی شد.^۱

برپایی مجدد سال جدید آند آمازون

مراسم Inti Raymi که در دوران استعمار سرکوب شد، در دهه ۸۰ به لطف اولین ایندیانیست‌ها و کاتاریست‌ها بازسازی شد و تمام ارزش‌های فرهنگ آند اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نمادین و معنوی را نجات داد. توسط مورخ "اینکا" ژرمن چوکوهوانکا (۲۰۰۲)، در مقاله خود برای مجله "La Voz del Cóndor".

از دهه ۸۰، با گذشت زمان، جشن رشد کرد و شرکت کنندگان در معنویت آند افزایش یافت. امروزه، برپایی مجدد و بزرگداشت تعطیلات ۲۱ ژوئن جشنی است که در بسیاری از جوامع و همچنین در مراکز شهری گسترش یافته است و این روز را به عنوان یک تعطیلات ملی غیر منقول در زمان دولت اوو مورالس اعلام کرده است.^۲

۱. مقاله سال نو آندین، نوشته کینول کیژا تینتایا، ۲۰۲۲، آدرس:

<https://es.scribd.com/document/360328375/58032357-ano-nuevo-aymara-pdf>

۲. مقاله سال نو آندین، نوشته کینول کیژا تینتایا، ۲۰۲۲، آدرس:

<https://es.scribd.com/document/360328375/58032357-ano-nuevo-aymara-pdf>

شرح مراسم سال نو آند

در حال حاضر تاریخ مشخصی برای برگزاری این جشنواره در نظر گرفته شده است که ۲۱ جولای برابر با ۳۱ خرداد ماه است. این روز کوتاه ترین و سردترین سال است. درخشندگی خورشید نیز ضعیف است و به همین دلیل است که وقتی به آن نگاه می کنید، اشعه های آن بر بینایی شما تأثیر نمی گذارد.

دین و معنویت تفاوت های آشکاری دارند. دین مبتنی بر آموزه ای است که جزمی نیز هست، یعنی نمی توان آن را رد کرد. از سوی دیگر، معنویت نه دگرینی دارد که باید از آن پیروی کرد و نه دگم هایی وجود دارد. از این نظر، قابل قبول ترین رویکرد برای اعمال آیینی آیینی آیمارا در معنویت محدود می شود. از این نظر، مناسک روش ثابتی برای پیروی ندارد، هر آموطه روش خاصی برای انجام هر مناسکی دارد.

با این حال، ما یک شکل تقریباً متعارف را ارائه می دهیم که در آیین سال نو آند دنبال می شود:

این مراسم در سحرگاه ۲۱ ژوئن آغاز می شود و عمدتاً بر روی استقبال از گرگ و میش خورشید متمرکز است. مراسم تشریفاتی توسط یک آماوطه متخصص شروع می شود و شروع به تهیه لقطه می کند - نذری با عناصر مختلف به شکل یک سفره تشریفاتی که از ویژگی های آن پیچیده تر و تشریفاتی تر از بقیه است - همانطور که در ۲۱ ژوئن است. یک تاریخ مهم سزاوار یک میز بزرگتر برای برگزاری است.

این آیین که برای تاتا اینتی در نظر گرفته شده است باید سفید باشد، در حالی که رنگ سفید مربوط به آلاکسپاچا یا کیهان است، یعنی عناصر سفره مانند پشم لاما، اسرار، t'ikas (شیرینی های مربعی شکل)، چینوس. (شیرینی های گره ای) و غیره باید سفید باشند. زیرا رنگ سفید نیز رنگ uywiris (خدایان محافظ) قسمت نر آلاکسپاچا است که خورشید در آن قرار دارد.



همچنین در زمان های اخیر جریان زیست محیطی بیشتری در میان اموطع ها وجود دارد، این جریان به احترام بیشتری به زندگی نگاه می کند، به همین دلیل در تهیه لقطه از مواد حیوانی پرهیز کرده و گونه های گیاهی را جایگزین آنها کرده اند. اصل و نسب .

عناصر تشکیل دهنده لقطه عبارتند از:

- برای تشکیل خطوط میز از پشم سفید استفاده می شود.
- ویرا قووا، گیاهی بسیار معطر است که در ارتفاعات می روید، از ساقه و برگ آن برای چاشنی سفره استفاده می شود.
- Lamp'u، چربی شعله، برای انرژی بخشیدن به میز استفاده می شود؛ برای این منظور، فیگورهای ژئومورفیک عموماً با دستکاری چربی شکل می گیرند.
- کوکا، اینالاما یا کوکای مادر، جزئی است که در هیچ آیین آند نمی توان از آن غافل شد؛ آن را به عنوان راهی برای تجسم خواسته های شرکت کنندگان در لوقتا قرار می دهد.
- شیرینی، اشیایی هستند که با شکر درست می شوند، شکل و نام های مختلفی دارند. کورمی، رنگین کمان؛ چینو، شیرینی به شکل گره؛ تیکاها (به شکل مربع هستند و پایه چیدمان سفره تشریفات هستند).
- اسرار نمایشی از بتن در قالب شمایل هستند، در فرهنگ آند آنها کارکرد ایلا را انجام می دهند (نمایندگی خواسته هایی که انتظار می رود به دست آید).
- تیتی، موی گربه کوهستانی وحشی، برای ثروت در لوقتا قرار می گیرد.
- چیوچی، جزایر کوچکی هستند که با توجه به شکلی که ارائه می دهند، معانی مختلفی دارند.

- سولو، جنین لاما است، این غذایی است که آچاچایلا و پاچاماما ترجیح بیشتری برای آن دارند.

Urqu chua (الکل) kachu chuwa (شراب)، ضروری است، برای چالا لوقتا، الکل نماد بخش مردانه است و شراب بخش زنانه را تشکیل می دهد، هر دو نشان دهنده منطق دوگانه جهان بینی آند هستند.

در فرآیند این آیین رعایت نشانه هایی که ارائه می دهد و اماوطه برای مردم و جامعه تفسیر می کند مهم است، در حالی که از این تعبیر نشانه هایی برای بهره وری مزارع به دست می آید. سال خوبی است یا نه، اما سرنوشت جامعه نیز تفسیر می شود. گفته می شود که در انقلاب سال ۱۴۹۲، تاریخ تهاجم اسپانیا، تاتا اینتی ها آنجا را ترک نکردند، این نشان دهنده یک فال بد برای اینکاها بود، زیرا در آن سال تخریب فرهنگ آنها آغاز شد.

ابرهایی که جلوی دید خورشید را می گیرند نشانه دیگری است که سال سختی را نشان می دهد. در کنار این شکل از پیش آگاهی ها، اماوطع ها از عناصر دیگری مانند کوکا برای تفسیر چرخه ای که آغاز می شود، استفاده می کنند.

پس از انجام مراسم، با شروع سحر، مردم با دستان دراز به سمت بالا و رو به گرگ و میش منتظر اولین پرتوهای خورشید هستند تا انرژی خورشید از طریق دستان آنها به بدن انسان برسد. این مهمترین لحظه است، یعنی لحظه دقیق طعقا که در آن زمان می شکند، در آن لحظه چرخه قبلی از چرخه جدید جدا می شود. نام Mara T'aqa از اینجاست. در طول روز، مردم جوامع خود را وقف مشاهده نشانه ها و نشانه های پاچاماما (زمین مادر) می کنند، زیرا طبق تصور آنها، این رفتار پاچا را در طول سال تعیین می کند.^۱



۱. مقاله سال نو آندین، نوشته کینیول کیژا تینتایا، ۲۰۲۲، آدرس:

<https://es.scribd.com/document/360328375/58032357-ano-nuevo-aymara-pdf>

موسیقی این جشن

موسیقی در این جشن مهم است. در مفهوم آند، هر ساز موسیقی زمان مشخصی برای اجرا دارد. ۲۱ ژوئن در فصل Juypi Pacha (فصل سردی که در آن برداشت آغاز می‌شود) است.

در این مدت سیکوها، سیکوهای جاجا، کنا کنا، لاکیتاس و غیره اجرا می‌شوند. Sikus تداعی کننده Wayra (باد) هستند، زیرا این هوا خشک است و کاملاً با فصل مطابقت دارد. کنا کنا سازی است که با قواس (چرم اوتورونکو یا بیر) اجرا می‌شود و پرتوهای خورشید را فرا می‌خواند، رقص کنا نیز اجرا می‌شود که در قدیم شخصیتی جنگجو داشته است، به همین دلیل یک رقص کنا است. نمایش آتش، که با آیین تکمیل می‌شود زمانی که آتش پیشکشی را که برای تاتا اینتی در نظر گرفته شده است می‌سوزاند. این کار در پایان روز، هنگام غروب خورشید، زمانی که جشن در حال پایان است، انجام می‌شود، زیرا تا غروب خورشید ادامه دارد. به گفته برخی از وقایع نگاران اسپانیایی، این جشنواره می‌تواند تا یک هفته کامل ادامه یابد. با در نظر گرفتن تمام این خصوصیات، آنچه واقعاً در مورد این واقعیت فرهنگی مهم است این است که در ۲۱ ژوئن پاچا باز می‌گردد، اما به شکلی تازه، یعنی یک ماجاق پاچاکوتی (بازگشت یک پاچای جدید).^۱

۱. مقاله سال نو آندین، نوشته کینیول کیرا تینتایا، ۲۰۲۲، آدرس:

<https://es.scribd.com/document/360328375/58032357-ano-nuevo-aymara-pdf>

نتیجه گیری

با بررسی شب چله و مراسم تولد خورشید در قوم اینکا بدست می آید که این دو مراسم شباهت ها و افتراق هایی را دارد که در ابتدا شباهت های این دو مراسم بیان می شود:

شباهتها

اولین مورد آن است که هر دو مراسم مصادف با انقلاب زمستانی است. لذا در ایران در ۳۰ آذر ماه مراسم شب چله و یلدا برگزار می شود و مراسم تولد خورشید در بین اینکاها نیز در ۲۱ مارس هر سال برگزار می شود که در فصل زمستان در نیمکره جنوبی است.

مورد دوم اینکه هر دو مراسم مرتبط با کشاورزی است. خورشید نقش مهمی را در بین کشاورزان دارد و لذا مدت زمان حضور و عدم حضور خورشید نقش تاثیر گذاری در روند فعالیت کشاورزان خواهد داشت.

سومین گزینه این است که تولد خورشید محور این دو جشن است، بدین صورت که در بین کشاورزان ایرانی قدیم، با طلوع خورشید هدف بیداری و مراسم جشن شب گذشته صورت می پذیرد و همچنین در بین اینکاها، اصل برنامه در زمان طلوع خورشید و به معنای تولد خورشید است.

گزینه چهارم این است که اگر شب چله، یلدا نامیده شود، مرتبط با تولد خورشید است و وجه مناسبتی برای یکی دانستند جشن تولد خورشید در ایران و بین اینکاها پیدا می کند.

افتراق ها

بعد از مشخص شدن موارد شباهت شب چله و تولد خورشید در اینکا، مواردی را نیز برای بخش افتراق در نظر گرفته می شود که در ادامه آورده می شود:

اولین مورد آن است که در قوم اینکا این روز را اول سال و ورود به سال جدید خود می دانند. یعنی ۲۱ مارس هر سال آغاز سال اینکاهاست. اما در مورد شب چله،



آغاز فصل زمستان است و سال جدید در پیشینه تاریخی این مراسم دیده نمی شود. مورد دوم که بسیار قابل توجه است، استفاده از عناوین ریز و جزئی در مراسم اینکاها است. هر بخش یا لوازم مورد استفاده در این مراسم، دارای نام خاصی است و هنوز هم تقید به استفاده از آن وجود دارد.

سومین مورد عهده داری بزرگان دینی در مراسم اینکا است. در حالی که مراسم چله مختص کشاورزان بوده و بزرگان دینی در نحوه برگزاری و انجام آن دخل و تصرفی نداشتند.

فهرست منابع

- ۱- انجوی شیرازی، ابوالقاسم، جشن ها و آداب و معتقدات زمستان، نشر امیرکبیر، تهران، ج ۲، ۱۳۷۹
- ۲- بازارگاد، بهاء الدین، تاریخ و فلسفه مذاهب جهان، نشر اشراقی، تهران، ۱۳۴۶
- ۳- پناهی سمنانی، محمد، ترانه و ترانه سرایی در ایران سیری در ترانه های ملی ایران، نشر سروش، تهران، ۱۳۷۶
- ۴- رضی، هاشم، جشن های آتش، مهرگان، نشر بهجت، تهران، ۱۳۸۳
- ۵- _____، پژوهشی در گاه شماری و جشن های ایران باستان، نشر بهجت، تهران، ۱۳۹۲
- ۶- روح الامینی، محمود، آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز، نشر آگاه، تهران، ۱۳۷۶
- ۷- صفا ذبیح الله، حماسه سرایی در ایران: از قدیمیترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری، تهران ۱۳۵۲، چاپ سوم
- ۸- فره وش، بهرام، ایرانویچ، نشر موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۹، چاپ پنجم
- ۹- کولمن، سایمون؛ واتسون، هلن، درآمدی به انسان شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر سیمرغ، تهران، ۱۳۷۲

۱۰- لیتون، والف، سیر تمدن، ترجمه پرویز مرزبان، نشر دانش، تهران ۱۳۳۷

۱۱- متن کامل کتیبه بیستون، خبرگزاری میراث فرهنگی، ۲۷ آوریل ۲۰۱۱، بازبینی شده در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۴

۱۲- مقاله سال نو آندین به زبان اسپانیایی، نوشته کینیول کیتا تیتایا، ۲۰۲۲، آدرس:

<https://es.scribd.com/document/360328375/58032357-ano-nuevo-aymara-pdf>

سایت های مورد استفاده:

1. https://en.wikipedia.org/wiki/Inca_Empire
2. <https://www.worldhistory.org/article/792/inca-food--agriculture/>
3. <https://academic.oup.com/edited-volume/34666/chapter/295365681>
4. <https://andeanlodges.com/en/the-importance-of-nature-and-agriculture-in-the-inca-civilization/>
5. <https://www.boliviandando.com/es/atracciones/sitio-arqueologico-de-tiwanaku/>
6. <https://estaeslahistoria.com/c-bolivia/puerta-del-sol-bolivia/>

